

ترکیه و خاورمیانه بزرگ

اسلام گرا، ملی گرا و محافظه کارانه مطرح می شود. در فصل دوم، روابط ایران، ترکیه و اسرائیل با توجه به توازن قوای سیاسی، مسابقات تسلیحاتی، مسئله فلسطین و

Bulent Aras, *Turkey and the Greater Middle East*, Istanbul: Tasam Publication, March 2007, 172 pages.

انزوای ایران از نظام بین الملل بررسی می گردد. در فصل سوم، تحلیلی از سیاست خارجی ترکیه در قبال بیت المقدس در ادوار گوناگون از جمله دوره عثمانی، دوره بین جنگ جهانی دوم و دهه ۱۹۸۰ میلادی،

سعیده لطفیان

پژوهشگر ارشد مرکز مطالعات استراتژیک

خاورمیانه

و نیز سالهای ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۳ از رایه می شود. در فصل چهارم سیاست خارجی ترکیه در قبال ایران از دیدگاه سیاست داخلی آنکارا، با توجه به اهمیت مسئله کردها، و نیز رقابت کشورها در آسیای مرکزی و قفقاز مورد بحث قرار می گیرد.

بولنت ارس نگارنده کتاب ترکیه و خاورمیانه بزرگ از اساتید دانشگاه فاتیح^(۱)

نگارنده استدلال می کند که امنیت در فرهنگ امنیت ملی ترکیه پدیده ای داخلی بوده و باید در بررسی سیاست خارجی این کشور به نقش ایدئولوژی و فرهنگ راهبردی ترکیه توجه شود. در فصل پنجم، تاریخچه روابط ترکیه با سوریه در سالهای اخیر به ویژه

در ترکیه رشته روابط بین الملل می باشد و بیشتر آثار وی در زمینه سیاست خارجی ترکیه، سیاست خاورمیانه، ملی گرایی، مذهب و سیاست، و مسایل منطقه آسیای مرکزی و قفقاز بوده است. این کتاب دارای نه فصل، یک مقدمه و یک نتیجه گیری در یکصد و هفتاد و دو صفحه در ماه مارس ۲۰۰۴ در استانبول منتشر شده است. مطالب زیر در فصول نه گانه کتاب مورد بحث و تحلیل قرار گرفته است:

پیرامون مسئله مهم اختلافهای طرفین بر سر تقسیم آب، مسئله کردها، و روابط ترکیه با اسرائیل طرح می شود. در فصل ششم،

در فصل نخست، چارچوب نظری سیاست گذاری خارجی ترکیه، و مسئله تناقض آشکار بین هویت‌های مختلف

نویسنده به تحلیل سیاست خارجی ترکیه در قبال همسایه جنوبی اش (عراق) با تأکید بر دهه های اخیر پس از وقوع بحران و جنگ می پردازد و بار دگر مسئله کردها در شمال عراق را مطرح می سازد که بر اثر مداخله نظامی آمریکا در این کشور به تهدیدی جدی تر از دیدگاه آنکارا تبدیل شده است. در فصل هفتم دیدگاهها و سیاستهای ترکیه در قبال مسئله فلسطین پس از رویداد انتفاضه الاقصی مورد مطالعه قرار می گیرد. در فصل هشتم بولنت ارس بحثی را پیرامون سیاست دولت آنکارا در قفقاز جنوبی ارایه می کند. در فصل نهمی، سیاست خارجی ترکیه در قبال مسئله تروریسم پس از رویدادهای یازده سپتامبر ۲۰۰۱ مطرح شده و راههای پیش روی ترکیه برای مقابله با این شکل مورد بررسی قرار می گیرد.

در تحلیل خرد در مورد مواضع جمهوری اسلامی ایران نسبت به ترکیه، ارس ادعای می کند که سیاستمداران و رهبران ایران از روابط نظامی آنکارا با اسرائیل و آمریکا ناخرسند بوده و بر این باورند که ترکیه خود را از جهان اسلام دور نگه داشته است. از سوی دیگر، به دلیل نقش تأثیر گذار نظامیان ترکیه در سیاست داخلی این کشور به ویژه در مورد مناطق شمال

عراق، ایران نگران حمله نظامی ترک ها به این مناطق و نیز مداخله تل آویو در بحران عراق است. به گفته وی، ایران حساسیت زیادی نسبت به تغییر توازن منطقه ای به نفع ترکیه و اسرائیل داشته و از معاهده نظامی دوجانبه بین آنکارا و تل آویو که در ژوئیه ۱۹۹۸ به امضا رسید، به شدت انتقاد کرده است.

بر مبنای این قرارداد، اسرائیل می تواند از قلمروی ترکیه به عنوان «حیاط خلوت» خود برای گردآوری اطلاعات جاسوسی در نزدیکی مرزهای ایران استفاده کند. در صورت نیاز، بر اثر افزایش عمق استراتژیک اسرائیل، هواپیماهای جنگی آنها قادر به طرح و اجرای حملات نظامی کوبنده علیه مراکز نظامی و جمعیتی ایران خواهند بود (ص ۳۴). وی به این واقعیت اشاره می کند که ایران تنها کشور ناراضی از اتحاد نظامی ترکیه - اسرائیل نیست؛ و در اجلاس سال ۱۹۹۷ سازمان کشورهای اسلامی، اعضای این نهاد مهم بین منطقه ای از همکاری نظامی ترکیه با تل آویو به شدت انتقاد کردند. یونان و ارمنستان نیز از جمله کشورهایی بودند که هم صدا با کشورهای مسلمان از این سیاست ترکیه ابراز نگرانی

کردند. پس از برقراری روابط امنیتی ترکیه و اسرائیل، گروه پ. ک. ک.^(۱) به دلیل نقش احتمالی دستگاههای جاسوسی و اطلاعاتی اسرائیلی‌ها در دستگیری عبدالله اوجالان اقدام به حملاتی علیه چندین سفارتخانه اسرائیلی در سراسر جهان نمودند (ص ۳۵). یکی از رویدادهای تأثیرگذار بر سیاست خارجی جدید ترکیه، به استقلال رسیدن چند کشور اسلامی در آسیای مرکزی و قفقاز پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی بود. از اهداف کلی سیاست خارجی دولت آنکارا، نفوذ در این مناطق جهت ترویج مدل حکومت از نوع ترکیه مبتنی بر دموکراسی پارلمانی، اقتصاد بازار آزاد، سکولاریسم در این جوامع اسلامی و بهره‌برداری از موقعیتهای ایجاد شده برای پیشبرد همکاریهای منطقه‌ای ذکر شده است. ترکیه با حضور در این کشورها امیدوار بوده که به منابع حیاتی انرژی دسترسی پیدا کند و از راه انتقال نفت قفقاز و آسیای مرکزی به اروپا درآمدها هنگفتی به دست آورد. از این گذشته، بولنت ارس ادعا می‌کند که دولت ایران قادر به تأمین نیازهای مالی آسیای مرکزی برای بهره‌برداری از منابع

انرژی آنها و احداث خطوط لوله انتقال نفت و گاز به خارج از آن منطقه نبوده و در نتیجه، به سوی مشارکت و همکاری با روسیه سوق داده شده است. روسیه و ایران روابط دوستانه تاکتیکی برای حفظ و گسترش نفوذشان در کشورهای آسیای مرکزی ایجاد کرده‌اند. ترکیه مانند برخی دیگر از کشورهای منطقه خاورمیانه (مصر، عربستان سعودی و پاکستان) در تلاش بوده تا با برقراری روابط نزدیک با جمهوریهای جدید در آسیای مرکزی موانعی بر سر راه گسترش نفوذ ایران در این منطقه به وجود آورد (ص ۷۵).

این نویسنده ترک به اهمیت مسئله کردها در سیاست‌گذاری کشورش بسیار تأکید دارد. به باور وی، دولت آنکارا با دستگیری و به محاکمه کشاندن اوجالان به پیروزی قاطعی علیه پ. ک. ک. رسید. نخبگان ملی‌گرای ترکیه، سوریه را به عنوان دشمن شماره یک خود به دلیل حمایت از پ. ک. ک. و پناه دادن به اوجالان در دمشق شناسایی می‌کردند. در اوایل ۱۹۹۶، ترکیه با قطع روابط رسمی خود با سوریه ناراضیاتی شدید خود را نسبت به سیاست حمایت از

رهبران کد مخالف آنکارا ابراز داشت. در این دوران برخی از سیاستمداران ترک به طور آشکار از حمله نظامی برای دستگیری رهبر کردهای ترکیه دفاع کردند. با میانجی‌گری رهبران مصر و اردن، سرانجام حافظ اسد با شرایط ترکیه برای فروکش بحران دوجانبه موافقت نمود و حتی پیش از امضای قرارداد آدانا^(۱) رهبر پ.ک.ک را از سوریه به بیرون راند تا روابط دو کشور همسایه به حالت عادی باز گردد (ص ۹۴).

در دوران دولت تورگت اوزال^(۲) در واکنش به شرایط اتحادیه اروپا به منظور برقراری روابط نزدیک‌تر با کسشورهای اروپایی، کردها به عنوان یک گروه قومی متمایز و متفاوت با ترک‌ها شناسایی شدند. وی تلاش نمود تا ممنوعیت دولتی برای استفاده از زبان کردی برداشته شود. کردها قادر بودند که سرودهایی به زبان کردی خوانده و به زبان خود مطالبی منتشر کنند، اما هنوز نمی‌توانستند از زبان کردی به طور آزاد در محافل عمومی استفاده کنند. در ۱۹۹۱، اوزال بارهبران دو گروه بزرگ کرد عراقی (مصطفی بارزانی و جلال طلبانی)

ملاقات و بسیاری از مخالفان ترکیه را عفو کرد (ص ۹۳). این سیاست آزادسازی برای کردها دوامی نداشت و رهبران ملی‌گرای ترک به سیاستهای محافظه‌کارانه و محدود‌کننده خویش بازگشتند (ص ۹۴).

سه عامل اصلی (مسئله کردها، وضعیت عراق شمالی، و هزینه‌های ناشی از تحریم عراق توسط آمریکا) در شکل‌گیری سیاست ترکیه در قبال عراق پیش از اشغال نظامی این کشور - پس از سرنگونی صدام حسین - مؤثر بودند. بولنت ارس پنج نکته مهم را در مورد دیدگاههای ترکیه نسبت به آینده عراق به شرح زیر مطرح می‌کند:

۱. ترکیه در تلاش است تا مانع از ایجاد موجودیت سیاسی قدرتمند مستقل کردی در منطقه خاورمیانه شود (ص ۱۰۲)؛
۲. رهبران ترک مایل نیستند که شمال عراق به پناهگاه امنی برای فعالیتهای جدایی طلبانه کردها علیه آنکارا تبدیل شود و نمی‌خواهند که حتی حکومتی محلی قدرتمند در این منطقه در درون یک فدراسیون عراق متشکل از سایر گروههای قومی و مذهبی به وجود آید؛

1. Adana Accord
2. Turgut Ozal

۳. برخی از نخبگان ملی‌گرای ترکیه گاهی به مسئله الحاق کرکوک و موصل و نیاز به تغییر مرزهای جنوبی کشورشان به نفع خود اشاره کرده‌اند؛

۴. مرکز گروه‌های ترکمن (ترک زبان) عراق در اربیل^(۱) بوده اما بسیاری از ترکمن‌ها در ترکیه زندگی می‌کنند. آنکارا از مسئله ترکمن‌های ساکن عراق به عنوان ابزار چانه‌زنی در مذاکرات مربوط به تعیین آینده عراق استفاده کرده است؛

۵. رهبران ترکیه نسبت به سیاست‌های آمریکا در قبال کردها و آینده شمال عراق بدگمان بوده و مردم این کشور نیز با حمله نظامی آمریکا به عراق مخالف بودند. سیاستمداران برجسته‌ای مانند بولنت اجویت^(۲)، چپ‌گرا و نجم‌الدین اربکان^(۳) اسلام‌گرا که دیدی انتقادی نسبت به سیاست‌های فعلی آمریکا داشتند، به دلایلی (از جمله هژمونی آمریکا در خاورمیانه و وابستگی شدید نظامی و اقتصادی ترکیه به دولت واشنگتن) نظرات خود را آشکار نمی‌کنند. نخست‌وزیر وقت ترکیه^(۳) بسیار تلاش کرد تا پارلمان ترکیه را متقاعد سازد با تصویب لایحه‌ای اجازه استفاده از قلمروی

ترکیه را به عنوان جبهه شمالی علیه صدام حسین به نیروهای نظامی آمریکا بدهد. این امر منجر به بحث‌های گسترده در ترکیه شد. اتحادی متشکل از بخش‌های مهمی از ملی‌گرایان، اسلام‌گرایان و چپ‌گرایان جامعه ترکیه، مخالفت خود را با گشودن جبهه شمالی و فرستادن نیروهای ترکیه به عراق ابراز داشتند (ص ۱۰۷). سه نتیجه‌گیری بولنت ارس عبارتند از:

الف. تأییدپذیری رفتار سیاست خارجی ترکیه از عواملی مانند فرهنگ، سیاست داخلی و اقتصاد، بستگی به تنش‌های ایجاد شده بر سر دوگانگی‌های دموکراسی-جهان‌گرایی از یک سو، جمهوری‌خواهی-ملی‌گرایی از سوی دیگر، خواهد داشت. اکثریت آشکار مردم ترکیه خواهان دموکراسی و جهان‌گرایی بوده و از سیاست‌گذاران خود می‌خواهند تا براساس ارزش‌های مردمی در مورد سیاست خارجی تصمیم‌گیری نمایند.

ب. سیاست خارجی ترکیه در قبال خاورمیانه تحت تأثیر عوامل داخلی بوده و با توجه به ساختار امنیتی منطقه‌ای متزلزل سیاستی بسیار پویا می‌باشد. در مورد

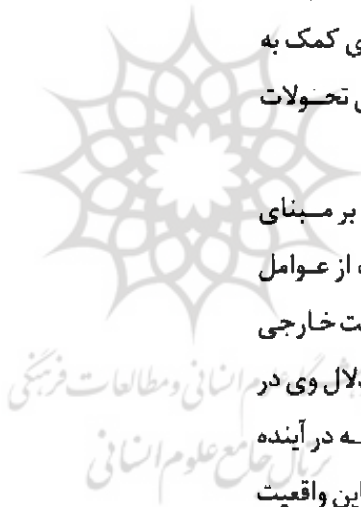
1. Erbil
2. Bulen Ecevit
3. Necmettin Erbakan

دیدگاه غالب در بین پژوهشگران و دانشگاهیان ترکیه در مورد مسایل خاورمیانه ای آگاهی یابند، مفید خواهد بود.

سیاست ترکیه در قبال «ابتکار خاورمیانه بزرگ»، آمریکا، عوامل بین المللی از اهمیت بیشتری برخوردار می باشند اما حتی در این مورد نیز ملاحظات فرهنگ استراتژیک بومی باید در نظر گرفته شود.

ج. اگر فعالیتهای مشترک اتحادیه اروپا و آمریکا در خاورمیانه بزرگ تداوم یابد، نقش پویای ترکیه برای آینده منطقه مهم تر خواهد شد؛ زیرا ترکیه توانایی آمیختن ارزشهای دموکراسی، اسلام و امنیت را دارا بوده و بهترین بازیگر منطقه ای برای کمک به ایجاد مکانیزم درونی لازم برای تحولات مثبت می باشد.

نتیجه گیری الف و ب بر مبنای پژوهشها و آگاهیهای نگارنده از عوامل داخلی تعیین کننده رفتار سیاست خارجی کشورش استوار می باشد. استدلال وی در مورد نقش سرنوشت ساز ترکیه در آینده سیاسی خاورمیانه بزرگ، نشانگر این واقعیت می تواند باشد که بولنت ارس درباره نقش احتمالی سایر بازیگران مهم منطقه ای از جمله ایران، عراق و مصر تحلیل مقایسه ای عمیقی تاکنون انجام نداده است. در مجموع این کتاب برای پژوهشگران و دانشجویانی که اطلاعات زیادی در مورد سیاست خارجی ترکیه ندارند و یا افرادی که تمایل دارند از



انسانی و مطالعات فرهنگی
مجله علمی و پژوهشی